

نظام حاکم بر ایران که از کودتای بیگانه ساخته بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲ از تمام کارها رادردست دارد و در طول سالیان دراز بایکه تازی بی مانند ی کشور را به ورطه هولناک کونی افکند است، بدنبال شکست برنامه های ادعائی "اصلاح و انقلاب" و گسترش ایستادگی همه جانبه مردم در شکل های گوناگون مبارزاتی در هنگامیکه بانسک اعتراض شخصیتها و نیروهای مذ هبی و ملی از همه سو بلند شد، بود به چاره جونی پرداخت .

افزون بر یکسال پیش کسی که بنا بر گفته خود نزدیک به سیزده سال تحت "فرماندهی" "!! عمل کرده و نیز گریستن ضربه های اقتصادی و فرهنگی را بر جامعه ایرانی وارد ساخته بود از بیست نخست وزیری برکنار و شخص دیگری که در همه کارهای ایران برپا داده قبلی شرکت داشت به این سمت گمارده شد .  
خوب پیدا بود بدون هویدا آوردن آموزگار نمیتوانست کوچکترین دگرگونی در برداشته باشد و تغییری در وضع بحرانی کشور پیدا آورد .

پس از این جابجایی نمایشی نظام حاکم در عین ادعای "آزادی سازی" و ایجاد فضای باز سیاسی همچنان به استوار کردن پایه های لرزان اقتدار خویش ادامه داد .

در گریه دار همین تفسیر ظاهری مردم بپا خاسته، کوشش های تازمائی راد رراه بازگرداندن استقلال ملی و زندگی داشت آزاد بیهای فردی و اجتماعی آغاز کردند و در زمینه های دینی و فرهنگی و سیاسی کرد هم آیی ها و حرکت های پیس صورت گرفت که نشانه بارز ناراضایی همگانی بود .

جنبش اعتراضی سراسر کشور را در نوردید و شکل گیری سازمانهای میهنی، استبداد پان رابه واکنشهای ناشی از وحشت و خشم برانگیخت و در جمع بادست زدن به پکرشته کردارهای جنون آمیز نشان داد که حکومت در ایران از وظیفه اصلی خود جدا ماند و همچون ده ستگاهی برون از جامعه و گسسته از همه ارزشهای اجتماعی برای تاراج ثروت های خدا دادی کشور به نفع بیگانگان گماشته شده است .

نظام حاکم که از هیبت افتاده بود بی پروا به مردم هجوم برد و اجتماعها و تظاهرات های آرام زنان و مردان حق طلب را بخون کشید و در بزرگترین شهرها و کوچکترین روستاها با "کشتار جمعی" کوشید به سلطه شو خود استوار بخشد . این هنجارهای غیر انسانی به پرخاشها و کوشش های مردم، توان بیشتری داد و آنها را بشکل قهر آمیزی در آورد . ماه مبارک رمضان بگونه ماهی خونین درآمد، دامنه "کشتار جمعی" به شبستانها و صحن مسجد ها کشید و ملی افزایش و حبس گیری از شتاب حرکت های آزاد پخواهانه و استقلال طلبانه نکاست .

بدنبال مساعبتی که در آن دم از "وحشت بزرگ" "!! در برابر" تمدن بزرگ" "!! ایزده شد ناکهان فاجعه در انفراس آبان که چند صد ایرانی بی گناه راد رآتش سوزاند، ایجاد گردید و نظام حاکم در نهایت بیشرمی در عهد و برانگیختن احساسات جریحه دار شده علیه مبارزان برآمد، اما برخاستن طوفان خشم در چهار گوشه ایران زمین، دستگاه استبداد زیر سلطه رابه عقب نشینی تازمائی راد داشت که باردیگر به جابجایی مهره های حکومتی انجامید و با همان شیوه خود کامگی ریشه دار فرمان نخست وزیری شریف امامی صادر گردید .

مهره جدیدی که بکار گرفته شده است برای ملت ایران چهره ناشناختنی نمی باشد، شریف امامی از فردای بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۳۲ در رسم ای ریاست سازمان برنامه و سناتور و وزارت و نخست وزیری و سرانجام

ریاست مجلس سنا، این خسته خانه خدمتگزاران کهنه کار استعمار و استبداد در همه زشتکاریهای دستگاه حاکمه ضد ملی و ضد اسلامی در طول این سالهای سیاه سهم داشته است .

این "استاد اعظم" فراماسونری که ملت ایران بحق آنرا يك سازمان نهانی دست نشانده بیگانه میداند، این نایب التولیه بنیاد پهلوی که همچون بزرگترین بنگاه سرمایه داری در نابسامانی ها و تباہی های اقتصادی کشور نقش برجستهای داشته است، این مرد سود جو که از دهنها سازمان دولتی و خصوصی حقوق های گراف می گرفته و می گیرد . اکنون بفرموده، پیام آور "آشتی ملی" شده است و می گوید "خطراتی مهلك میهن ما را تهدید می کند همه بپاخیزید" . کیست که نداند "ایران در خطر و زمان در گذر است" ، کیست که نداند باید مردم "بپاخیزند" .

اما این بپاخاستگی که هم اکنون نیز انجام شده برای واژگونی "دستگاه استبداد" وابسته به بیگانه می باشد نه برای رنگ و روغن زدن به چهره کزبه نظام حاکم که ایران را از همه سوبه لبه های پرتگاه نیستی کشانده است .

آقای شریف امامی خیلی دیر فکر "نجات مملکت در فروغ جهانگیر قرآن و تعالیم عالیہ اسلام و قلمرو قانون اساسی" افتاد ماند و گویا فراموش کرد ماند خود شان و همه عضوهای دولتشان در تمام سالهای سیاه دیکتاتوری که "تعالیم عالیہ اسلام" بنیازی گرفته شد و قانون اساسی این خونبهای شهیدان راه آزادی و استقلال ایران پایمال می گردید نه تنها هیچکدام علیه حرکت های ضد اسلامی و قانون شکنانه کوچکترین اعتراضی نکردند بلکه در استحکام پایه های حکومت استبدادی همه از عامل های چشمگیری و همه از پاسداران انقلاب کذائی بودند .

جبهه ملی همچنان که آشکارا اعلام کرده اعتقاد دارد تا "نظام سلطنت استبدادی" پابرجا "اساس مشروطیت ایران" ناپدید و گرفته شده است هیچ راه حلی برای پایان دادن به بحرانی که دامنگیر کشور می باشد نمی توان یافتو برای اعاده "نظام قانونی" باید همه نهاد های که دستگاه استبداد زیر سلطه برخلاف قانون اساسی برای نگهداشت قدرت خود ساخته است برجیده گردد و تمام عملکرد های این دوره سیاه کنار گذاشته شود .

جبهه ملی ایران اعتقاد دارد ادعای وجود "فضای باز سیاسی" وقتی واقعیت پیدا می کند که :

- سازمان اطلاعات و امنیت کشور انحلال یابد .

- صلاحیت دادرسی ارتش برای رسیدگی به اتهامهای غیرارتشیان بکلی لغو گردد .

- استقلال قوه قضائی به معنای واقعی کلمه بوجود آید .

- همه زندانیان سیاسی کشور با هرمقام که دارند صرف نظر از نوع و میزان محکومیت آزاد شوند .

- همه تبعید شدگان سیاسی به خارج و داخل کشور به شهرها و روستاهای خود بازگردند .

- به کلیه رانده شدگان سیاسی به خارج از ایران اجازه داد شود بی هیچ مانعی به میهن مراجعت نمایند .

- آزادی اندیشه و گفتار، آزادی قلم و آزادی اجتماعات بطور کامل برقرار گردد .

- همه حزبها و جمعیت های سیاسی بدون هیچ انحصاری آزادی فعالیت داشته باشند .

- روزنامه ها و مجله های که در گذشته دورو نزدیک امتیاز آنها لغو شده اجازه انتشار یابند .

- به اتحادیه های صنفی و سندیکا های کارگری آزادی عمل داده شود و بساط دستگاه های تحمیلی چون

- "اتاق اصناف" و "سازمان کارگران" برجیده گردد .

- مسببان و عاملان "کشتار جمعی" مردم بیدفاع در هر مقام که هستند فوری تعقیب و بشدت کیفر یابند .

- از محکومان دادگاه های نظامی بطور رسمی و قانونی اعاده حیثیت گردد .

برای انجام چنین برنامه "آزاد سازی" بی شك كهنه سیاست بازاری که در کلیه خیانتها و جنایات های بیست و پنجساله نظام حاکم شرکت کرده اند با انبانی از شعبده های رنگارنگ نمی توانند نقشی داشته باشند .  
آقای شریف امامی در نخستین روز حکومت خود دستور کار بردن تاریخ هجری شمسی و بستن کازینوها و قمارخانه ها را در سطح کشور صادر کرد و گویا از یاد بردن آن گزارش تغییر میداد تاریخ رسمی کشور به جلسه مشترک دو مجلس که به ریاست ایشان تشکیل گردیده داد و شد و بیشتر این قمارخانه ها و کازینوها به بنیاد پهلوی تعلق دارند که ایشان سالیان دراز از آنرا بعهده داشته اند .

ملت ایران به این آسانی گذشته های نزدیک را فراموش نخواهد کرد و هرگز فریب این نیرنگ ها را نمی خورد ، هنوز خاک میهن ما آغشته به خون جوانان ازجان گذشته می باشد و اشک چشمان مادران و پدران داغ دیده بدامن پاک و گرد آئین آنان را رها نکرده است .

نظام حاکم با این خیمه شب بازی جدید می خواهد در مبارزه ملی خدشه بوجود آورد و با جدایی افکندن میسبان بیکارگران و پیش کشیدن طرح انحرافی "آشتی" نیروهای پیا خاسته رایکی پس از دیگری از صحنه ببرد و هائیکش کنونی کارزند و سرانجام اختناق گذشته را با شیوه نو بر جامعه تحمیل کند .

جبهه ملی ایران در این شرایط تنها حکومتی را می تواند به عنوان "حکومت موقت" برای رهایی کشور از تنگنا های کنونی قبول کند که تشکیل دهندگان آن در رعایات بیست و پنجساله دستگاه استبداد وابسته به استعمار کوچکتر پسند دخالتی نداشته و در نتیجه از احترام و اعتقاد مردم برخوردار باشند .

چنین حکومتی با اجرای برنامه عنوان شده در بالا می تواند تضمینی برای احیای "حقوق ملت" بوجود آورد و در این صورت امکان انجام "انتخابات آزاد" فراهم خواهد شد و مردم میهن ما فرصت می یابند نمایندگان واقعی خود را برگزینند و به "استقرار حاکمیت ملی" تحقق بخشند .

دوشنبه نهم شهریور ماه ۱۳۵۷ خورشیدی

جبهه ملی ایران